

# فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید- سال پنجم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۸- شماره پيوسته ۲۵

## تحليل استعارى زبان شناختى بر ضرب‌المثل‌هاى حوزه احساسى خشم در زبان‌هاى

فارسی و ترکی (ص ۱۷-۳۴)

بهرروز ابراهیمی<sup>۱</sup>، حیات عامری (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>، زهرا ابوالحسنی چیمه<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در آینه ضرب‌المثل‌های دو زبان فارسی و ترکی می‌پردازد. در این پژوهش تلاش شده است از ۹ منبع برای دو زبان مذکور، داده‌های مورد نیاز استخراج و گردآوری شود. با جستجو در منابع، ۲۸ ضرب‌المثل در حوزه خشم و ۱۹ نگاشت‌نام در این ضرب‌المثل‌ها یافت شد. همچنین تلاش شد تا پرسامدترین نگاشت‌نام‌ها در هر دو زبان، مشخص و جداگانه در جدول آورده شود. در کنار نگاشت‌نام‌ها، پرسامدترین حوزه‌های مبدأ نیز شناسایی و معرفی شدند تا مشخص گردد که گویشوران این دو زبان بیشتر از چه نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ برای بیان استعارى خشم استفاده می‌کنند. مشخص شد که در زبان فارسی، نگاشت‌نام «خشم، آتش است» و در زبان ترکی، نگاشت‌نام «خشم نادانی/جهل است» پرسامدترین هستند. در رابطه با حوزه‌های مبدأ نیز پرسامدترین حوزه‌های مبدأ که برای مفهوم‌سازی خشم به کار می‌روند، به ترتیب حوزه‌های مبدأ «روشنایی و تاریکی» در زبان فارسی و «انسان/بدن انسان» در زبان ترکی هستند و بسامد وقوع به نسبت تعداد ضرب‌المثل‌های بررسی شده در هر زبان آورده شد. با تحلیل‌هایی که صورت گرفت به نظر می‌رسد که هر چند تقریباً گویشوران این دو زبان از يك الگوی واحد فرهنگی برای تولید استعاره خشم استفاده می‌کنند، به نظر می‌رسد تفاوت‌های فرهنگی نیز باعث تولید نگاشت‌نام‌های متفاوت شده باشد.

کلمات کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، نگاشت‌نام، عواطف و احساسات، ضرب‌المثل، خشم

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: b\_ebrahimi@tehran.ir

Email: h.ameri@modares.ac.ir

<sup>۲</sup>. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

<sup>۳</sup>. دانشیار زبان‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت، تهران، ایران.

Email: zabolhassani@hotmail.com

## ۱. مقدمه

با مطالعه آثار جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و ... مشخص می‌شود که زبان‌ها یکپارچه نیستند بلکه تنوعاتی دارند که انعکاسی از تنوعات موجود در تجربه انسانی است. استعاره‌ها متنوع هستند نه به دلیل بینا فرهنگی بودن، بلکه دقیقاً به خاطر این که درون فرهنگی هستند. این تنوع همراستا با ابعادی مانند اجتماعی، منطقه‌ای، قومی، سبکی، خرده فرهنگی، تحولات زبانی و شخصی می‌تواند اتفاق بیفتد.

تفسیر يك استعاره در حوزه مقصد و تولید آن در حوزه مبدأ بدون نیاز به واکاوی فرهنگی و اجتماعی، ناکامل و مبهم است. استعاره وابسته به فرهنگ خاص زادگاه خود است و تا ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن استعاره مشخص نشود فهم و تفسیر آن ناممکن است. با توجه به ابعاد فرهنگی مختلف، به نظر می‌رسد از نظر انتخاب حوزه‌های مبدأ و مقصد در میان زبان‌های مختلف، تفاوت‌های آشکاری وجود داشته باشد. اهمیت شناخت استعاره آن زمانی پررنگ‌تر می‌شود که از طریق آن بتوان به کنه اندیشه و افکار يك ملت یا قوم رسید و کنکاش کرد. می‌توان به جرأت ادعا کرد، استعاره به‌روزترین و بااهمیت‌ترین مسئله در زبان‌شناسی شناختی است. از دیگر سو، مسأله همگانی بودن یا فرهنگی بودن استعاره، مطالعات جدی‌ای را در میان اندیشمندان این حوزه طلب کرده است.

کووچس (۲۰۱۰) معتقد است که استعاره‌ها نه تنها در يك فرهنگ نسبت به فرهنگ دیگر تفاوت دارند بلکه استعاره‌های موجود در يك فرهنگ هم با یکدیگر فرق دارند و اگر از اظهارات زبان‌شناختی و استعاری در بین زبان‌های مختلف گذر کنیم و به جای استعاره‌های زبانی به استعاره‌های مفهومی بپردازیم، به تدریج متوجه می‌شویم که اکثر استعاره‌های مفهومی به صورت گسترده‌ای در بیشتر زبان‌ها ظاهر می‌شوند؛ مثلاً، استعاره مفهومی «زمان، فضا است» در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلفی مانند انگلیسی، چینی ماندری، هندی، و سسوتو وجود دارد.

بدون شك، شناخت جنبه‌های مختلف مفهوم‌سازی عواطف و شناخت حوزه‌های مبدأ و مقصد در هر فرهنگی به شناخت بهتر جهان‌بینی‌ها در آن فرهنگ‌ها منجر می‌شود. از دیگر سو، شناخت استعاره‌های موجود در ضرب المثل‌ها، می‌تواند ابزار خوبی جهت تبیین قسمتی از اندیشه اقوام و ملل باشد. آن‌ها ریشه در فرهنگ دارند و بیانگر باورهای اجتماعی و اخلاقی يك ملت‌اند. ضرب المثل‌ها از معنای لفظی واژه‌ها عبور کرده و به معنای استعاری آن‌ها می‌رسند. مطالعه ضرب المثل‌های هر ملت به خوبی می‌تواند خلیقات، عادات خوب و بد، فکر و اندیشه، حساسیت‌ها و یا علایق مردم را نشان دهد. ضرب المثل‌ها نشان‌دهنده رفتارهای بهنجار و نابهنجار و ارزش‌ها و ضدارزش‌های اجتماعی هستند که مردم آن‌ها را پذیرفته و یا رد کرده‌اند. از این حیث، امثال و حکم بیش از متون ادبی مکتوب

و شعر و نثر، تجلی‌گاه اندیشه‌های اجتماعی است. چه آن که شعر و ادبیات، نویسندگان مشخص و معلومی دارند اما ضرب‌المثل‌ها از بطن جامعه درآمده و سینه به سینه گشته تا به ما رسیده است (نک: ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۵). مثل‌ها فرهنگ موجود هر ملت، قبیله، قوم و عشیره را به‌خوبی بازگو می‌کنند و نشان می‌دهند که کدام اندیشه‌ی نهفته در مثل، فکری فراگیر، جهانی و انسانی را منعکس و بازگو می‌کند (نک: همان، ۱۶).

در این پژوهش، ضرب‌المثل‌های عاطفی و احساسی مورد توجه قرار گرفته است زیرا حوزه‌ی مفهومی عواطف معمولاً ویژگی‌های بارز فرهنگی و قوم‌شناختی را نشان می‌دهد که در پژوهش‌های بین‌زبانی و بین‌فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند ابزار مناسبی برای جستجو در جهان‌بینی یک فرهنگ باشد.

در این پژوهش سعی شده است تا مفهوم خشم در آینه‌ی ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی مشخص گردد. برای این کار، بعد از بیان مسأله‌ی اصلی تحقیق، به چگونگی مفهوم‌سازی عواطف و احساسات در زمینه‌ی خشم اشاره شده است. سعی بر این است که با کنکاش در استعاره‌های مفهومی مربوط به خشم در ضرب‌المثل‌های احساسی و عاطفی در دو زبان فارسی و ترکی دریافته شود که بیشترین حوزه‌های مبدأ به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های حوزه‌ی خشم در این دو زبان کدام‌اند و پربسامدترین نگاه‌نام در هر زبان چیست. بر اساس این، می‌توان به درک بهتری از نوع مفهوم‌سازی‌های به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های مربوط به خشم و تنوعات موجود در این زمینه رسید. روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ بدین صورت که ضرب‌المثل‌ها در حوزه‌ی خشم با معادل مفهومی یکسان از دو زبان فارسی و ترکی به صورت دستی و از منابع مکتوب مختلف جمع‌آوری و حوزه‌های مبدأ و نگاه‌نام هر کدام مشخص و توصیف شده است.

## ۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی مفهوم‌سازی‌های استعاره‌ی خشم، مطالعاتی در فارسی و انگلیسی انجام شده است که به‌دلیل محدودیت حجم مقاله تنها به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

کووچش (Kovecses) (۲۰۰۰) به بحث استعاره و عواطف پرداخته و در واقع آغازگر پژوهش‌های نوین در این موضوع است. کووچش (۲۰۰۰: ۱۴۰) به تحقیقی اشاره می‌کند که با دانشجویانش انجام داده است. آن‌ها برای اثبات این‌که استعاره‌های مفهومی حوزه‌ی احساسات و عواطف، جهانی یا فرهنگ‌بنیاد هستند، به دو مجله‌ی زن مجاری‌زبان مراجعه کرده، استعاره‌ها را استخراج و با معادل‌های انگلیسی مطابقت داده‌اند.

بارسلونا (Barcelona) (۲۰۰۰) تعامل مجاز و استعاره را با دیدگاه شناختی تحلیل می‌کند. او طی مقالاتی که گرد آورده است به دامنه و محدوده استعاره و مجاز می‌پردازد. او عقیده دارد که استعاره و مجاز بیشتر در يك تعامل مفهومی و زبانی با یکدیگر قرار دارند. گاهی تشخیص مرز بین این دو، پیچیده می‌شود. بارسلونا (۲۰۰۱) يك بررسی مقابله‌ای بین استعاره‌های مفهومی در زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی انجام داده است.

ایوانس و گرین (Evans & Green) (۲۰۰۶) در کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی، مبانی زبان‌شناسی شناختی را شرح داده‌اند و بر دو چارچوب تحقیقاتی در زبان‌شناسی شناختی؛ یعنی معنی‌شناسی شناختی و رویکردهای شناختی به دستور تأکید کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که زبان‌شناسی شناختی مجموعه‌ای از رویکردها را به جای ارائه چارچوب نظری واحدی نشان می‌دهد. آن‌ها معتقدند با اینکه زبان‌شناسی شناختی، داعیه نظریه‌بودن نداشت با این حال، بسیار گسترده بوده، مورد استقبال قرار گرفت. در واقع این رویکرد شناختی، تلفیقی از اصول، فرضیات و دیدگاه‌های مختلف است و به مرور نیز با توجه به تحقیقات صورت گرفته بر گستردگی آن افزوده می‌شود.

کووچش (۲۰۰۶) علاوه بر تمایز میان استعاره‌های زبانی و مفهومی، میان استعاره‌های کلان و استعاره‌های خرد نیز تمایز قایل می‌شود و معتقد است که برخی استعاره‌ها قراردادی یا نو، گاه در سراسر متون ادبی موج می‌زنند بدون آن‌که در روساخت ظاهر شوند. آنچه بعضاً در متون ادبی نمود روساختی پیدا می‌کند استعاره‌های خرد است اما آنچه در زیرساخت این استعاره‌ها وجود دارد استعاره‌های کلان است.

ایوانس (۲۰۰۷) فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی را ارائه کرد. او در این کتاب توصیف جامعی از مفاهیم و اصطلاحات شناختی معرفی می‌کند و آن‌جاست که استعاره مفهومی را به عنوان اساسی‌ترین و مورد توجه‌ترین بحث در این علم معرفی می‌نماید. بحثی که استعاره را به عنوان ویژگی سبکی در زبان نمی‌شناسد بلکه فراتر رفته و استعاره را به ساختارهای ادراکی و شناختی پیوند می‌دهد. آگیش (Agiş) (۲۰۰۷) در پایان‌نامه خود به بررسی تطبیقی کاربردی و شناختی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات حوزه عواطف و احساسات در دو زبان ترکی و یهودی اسپانیایی (Judeo-Spanish) می‌پردازد.

رتووا (Retova) (۲۰۰۸) در پایان‌نامه خود به بررسی مقایسه‌ای مفاهیم استعاری شش حس خشم، ترس، شادی، غم، غرور و شرم در زبان اسلواکی و زبان انگلیسی پرداخته است.

گیرتس (۲۰۱۰) معتقد است که نگرش در زمانی به استعاره‌ها صرفاً برای تشخیص انگیزه بیان‌شناختی یا مفهوم شناختی معنی استعاره‌ها اهمیت ندارد، بلکه برای تعیین صحت یا سقم نگاه

معنی‌شناسان شناختی در باب استعاره نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا بر ما معلوم خواهد کرد که آیا باور به ماهیت تجربی استعاره‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد یا نه؟

کویا (Kobia) (۲۰۱۶:۲۱۷) به ضرب‌المثل‌های سواحیلی می‌پردازد و در نهایت به رابطه بین استعاره‌های مفهومی و فرهنگ می‌رسد.

گلفام و یوسفی راد (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان زبان‌شناسی شناختی و استعاره براساس زبان‌شناسی شناختی، به مطالعه استعاره پرداختند و موافق با نظر زبان‌شناسان شناختی آن را یک پدیده شناختی دانستند که در واقع، درک و بیان تصورات انتزاعی در قالب تصوراتی ملموس‌تر است. آن‌ها تلاش کردند تا این رویکرد رو به رشد را بیشتر معرفی کنند و اهمیت استعاره را در این رویکرد برجسته سازند.

رضایی (۱۳۸۲)، در استعاره در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی، ماهیت استعاره و نقش شناختی آن در زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده است. او نشان داده استعاره‌های مفهومی به طور فعال در شکل‌دهی شناخت فارسی‌زبانان نقش دارند و از طریق این استعاره‌هاست که فارسی‌زبانان مفاهیم انتزاعی را به کمک مفاهیم ملموس‌تر می‌فهمند.

نوبین (۱۳۸۷) به ساختارهای ضرب‌المثل‌های ترکی اردبیلی می‌پردازد و آن‌ها را از لحاظ ساختاری در ادبیات و نه زبان‌شناسی تقسیم‌بندی می‌کند. ساختمان دستوری امثال را از انواع فعل‌ها و صیغه‌ها و زمان‌های گوناگون بررسی می‌کند و بعد به ساختار موضوعی آن‌ها می‌پردازد.

افراشی (۱۳۹۰) به تاریخچه مطالعات استعاره توجه دارد. او با بیان مطالعات فلسفی در غرب، ارسطو را اولین شخصی می‌داند که به معرفی اصطلاح استعاره پرداخته و فرضیه‌ای نو برای توجیه چگونگی شکل‌گیری استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی ارائه می‌نماید.

ذوالفقاری و عامری (۲۰۱۲) به تعاریف و مشخصه‌های مختلف که برای ضرب‌المثل از طریق پژوهشگران ایرانی، عربی و غربی ارائه شده است می‌پردازند. آن‌ها معتقدند که بهترین عامل برای شناسایی ضرب‌المثل‌های فارسی و درک تفاوت آن‌ها با ضرب‌المثل‌های دیگر ملل، ارائه یک تعریف روشن و جامع از ضرب‌المثل‌های فارسی است.

روشن و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان مبنای طرح‌واره‌های استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان به تحقیق در ضرب‌المثل‌های گیلانی بر مبنای طرح‌واره‌های تصویری ایوانس و گرین پرداخته‌اند.

رضایی و مقیمی (۱۳۹۴) استعاره‌های مفهومی را در ضرب‌المثل‌های فارسی بررسی کرده‌اند و معتقدند که ضرب‌المثل‌ها نیز همچون استعاره‌های مفهومی با برقراری ارتباطی قراردادی بین حوزه‌های مبدأ و مقصد به انسان کمک می‌کنند تا با استفاده از برخی واژگان و عبارات، مفاهیم دیگر را

درک نماید؛ زیرا بین معنا یا مثال در کلیت خود و معنای کلمات تشکیل‌دهنده آن‌ها ارتباطی وجود ندارد.

مؤمنی (۱۳۹۵) به تحلیل مقابله‌ای استعاره مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی و فرانسه پرداخته است. او استعاره‌های مفهومی موجود در پیکره هفتاد ضرب‌المثل فرانسه با معادل‌های فارسی آن‌ها را براساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در چارچوب معنی‌شناسی شناختی بررسی می‌کند.

حقیقی (۱۳۹۵) نیز چهل و یک ضرب‌المثل کردی کرمانشاهی (گونه کنگاوری) مربوط به حیوانات را بر اساس مکانیزم‌های شناختی استعاره و مجاز در چارچوب مدل «استعاره زنجیره بزرگ» لیکاف و ترنر و الگوهای پیشنهادی مندوزا و دیاز درخصوص تعامل میان مجاز و استعاره بررسی و با متناظرهای فارسی مقایسه کرده است.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. معنی‌شناسی شناختی

معنی‌شناسی شناختی در دهه ۱۹۷۰ در واکنش به دیدگاه عینیت‌گرا از جهان (Objectivist World-View) مطرح گردید (ایوانس و گرین، ۲۰۰۶: ۱۵۶). مهم‌ترین و بنیادی‌ترین و جذاب‌ترین بخش در معنی‌شناسی شناختی که مورد توجه اکثر اندیشمندان این حوزه قرار گرفته است بحث استعاره‌های مفهومی است. لیکاف (Lakoff) (۱۹۸۷: ۲۶۹) معتقد است که شناخت انسان از جهان اطراف از طریق مقوله‌بندی (Categorization) مفاهیم در ذهن صورت می‌گیرد و انسان به وسیله تجارب فیزیکی، تفاوت‌ها را در عالم بیرون تشخیص می‌دهد. تالمی (Talmy) (۲۰۰۰: ۴) نیز تحقیق بر روی معنی‌شناسی شناختی را در واقع تحقیق بر روی محتوای مفهومی و سازماندهی آن در زبان می‌داند. در این فرمول، محتوای مفهومی نه یک محتوای آرمانی بلکه یک محتوای تجربی است که شامل حس و درک می‌شود؛ به عبارت دیگر، معنی‌شناسی شناختی، سازماندهی مفهومی است با محتوایی که در آگاهی تجربه شده است.

### ۲-۲. استعاره‌های مفهومی

استعاره به عنوان یکی از صناعات ادبی، در خدمت زیبایی و آراستگی متن ادبی قرار گرفته است. بدون شك، تعریف استعاره و استفاده از آن در تحلیل متون غنی ادبی کشورمان از قدیم الایام رواج داشته است و با ظهور زبان‌شناسی شناختی، تعریفی جدید از استعاره ارائه گردیده است. حوزه‌های مبدأ و مقصد با فرایند نگاشت (MAPPING) و مطابقت این دو حوزه، ساز و کار استعاره جدید را تشکیل

می‌دهد. هدف از استعاره در زبان‌شناسی شناختی، مفهوم‌سازی است و کلاً استعاره در این دیدگاه ویژگی مفاهیم است نه واژه‌ها. این رویکرد جدید به استعاره را اولین بار، جرج لیکاف و مارک جانسون (Johnson) در سال ۱۹۸۰ در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم مطرح کردند. از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر. زندگی به مثابه سفر، بحث و جدل به مثابه جنگ، عشق به مثابه سفر... و بسیاری دیگر از این دست، نمونه‌هایی هستند که در فکر و زبان ما جاری‌اند. یک راه ساده و کوتاه در توصیف و ارائه چنین دیدگاهی به استعاره می‌تواند چنین باشد: حوزه مفهومی «الف» همان حوزه مفهومی «ب» است که به آن استعاره مفهومی (Conceptual metaphor) گفته می‌شود (کووچش، ۲۰۰۲: ۱۴). ریمر (Riemer) (۲۰۱۰: ۲۴۷) با اشاره به نظریه مفهومی استعاره بیان می‌کند که در واقع استعاره ابزاری شناختی است که در نقش يك الكو عمل می‌کند تا اندیشه‌هایی که مفهوم‌های پیچیده‌ای دارند بتوانند بیان شوند.

### ۲-۳. استعاره در حوزه احساسات و عواطف

بخش عمده‌ای از زندگی انسان، تجربه احساسات و عواطف است. با این حال، شیوه‌هایی که افراد در آن‌ها تجارب احساسی خود را مفهوم‌سازی و بعد ابراز می‌کنند ممکن است در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد؛ به عنوان مثال، افراد در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، تجارب احساسی خود را به بخش‌های متعددی از بدن ربط می‌دهند، برای بعضی‌ها قلب جایگاه احساسات است و برای عده‌ای دیگر جگر، شکم و حتی گلو. گذشته از این‌ها، شاید فرهنگ‌های مختلف از تعابیر متفاوتی برای تجارب احساسی خود استفاده کنند و شاید ارزش‌گذاری و طرز بیان‌شان از احساسات نیز متفاوت باشد (شریفیان ۲۰۱۱: ۱۵۱).

به نظر می‌رسد گویشوران هر زبانی واژه‌ها و اصطلاحات پایه‌ای خاصی را برای بیان احساسات و عواطف در نظر گرفته‌اند. مثلاً در زبان انگلیسی، این اصطلاحات پایه‌ای عبارتند از: خشم، اندوه، ترس، لذت و عشق (کووچش ۲۰۰۰: ۳). کووچش برای مفاهیم احساسات و عواطف و مخصوصاً «احساسات پایه‌ای» مانند خشم، ترس، شادی، غم و عشق، حوزه‌های عمومی مبدأ را با استناد به پژوهش‌های خودش و دیگر پژوهشگران معرفی می‌کند. هر چند او اذعان می‌دارد که این فهرست با توجه به پژوهش‌های آینده و بیشتر می‌تواند دست‌خوش تغییر شود. تعدادی از استعاره‌های مفهومی رایج که کووچش برای خشم تعریف می‌کند چنین است:

خشم آتش است: خشمش دارد شعله می‌کشد؛

خشم جنون است: از حس انتقام دیوانه شده است؛

خشم، دشمن است: در حال جدال با خشمش است؛

خشم، حیوان است: خشمش را رها کرد؛

خشم، نیروی طبیعی است: این ملاقات بر خورد طوفانی بود و... (کووچش ۲۰۰۰: ۲۱).

#### ۲-۴. استعاره و ضرب‌المثل

ضرب‌المثل‌ها معمولاً ساخته و پرداخته ذهن مردم نکته‌سنج، آگاه و بذله‌گو هستند؛ به عبارت دیگر، انسان‌های اندیشمند و باتجربه، اندوخته‌ها و بازیافته‌های فکری و فرهنگی خود را در قالب سخنان کوتاه و جملات سنجیده و پرمغز به صورتی شیرین بیان می‌کنند. دسته دیگر ضرب‌المثل‌ها برگرفته از آثار ادبی از قبیل دیوان شعرا یا حکایات و افسانه‌های ادبی‌اند. این نکته مشخص است که ضرب‌المثل‌ها، چکیده‌ای از باورها و اعتقادات اقوام هستند که حتی در قومی نسبت به قوم دیگر و بنا به تنوعات اجتماعی و فرهنگی و تجارب تاریخی، متفاوت باشند. هر زبانی، ضرب‌المثل‌های خاص خودش را دارد. پیام آن واحد و مربوط به رنگ آن زبان خاص است. اما هرچه قدر در پیام‌شناسی ریز شویم، متوجه می‌شویم که بیشتر ضرب‌المثل‌ها معنا و پیام مشابهی را به اشکال گوناگون منتقل می‌سازند. ضرب‌المثل‌ها عموماً به‌عنوان مخازن دانایی مردم شناخته می‌شوند. گفتاری روشمند که به‌نظر می‌رسد احساس جمعی را در زندگی روزمره بیان می‌کنند. ضرب‌المثل‌ها موضوع خاصی را پوشش می‌دهند که براساس قالب‌های فرهنگی است (وایت، ۱۹۸۷). ضرب‌المثل‌ها آینه تمام‌نمای فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، عقاید و اندیشه‌ها، طرز زندگی، منش، مناسبات، تمدن، اخلاق و معیار ذوق ملت‌ها است (نک: ذوالفقاری ۱۳۸۷: ۱۱۵). دایره معنایی خاص آن‌ها، ممکن است منجر به درون‌بینی در قالب‌های فرهنگی شود که از آن‌جا ظهور کرده‌اند. شاید بیشترین وجهه يك ضرب‌المثل استفاده افراطی از تصویر استعاری برای مفهوم‌سازی و بیان پیام اجتماعی باشد. قابل توجه این است که اکثر ضرب‌المثل‌ها به‌طور آشکاری در ساخت خود استعاری هستند.

کووچش استعاره‌های مفهومی را به دو سطح تعمیم می‌دهد: سطح عام (generic) و سطح خاص (specific). استعاره‌هایی مثل «زندگی، سفر است»، «بحث، جنگ است»، «اندیشه، خوراکی است» و این قبیل استعاره‌ها را جزء استعاره‌های خاص می‌داند که در سطح خاص و ویژه اتفاق می‌افتند، بدین‌صورت که با جزئیات دقیق بیان می‌شوند. اما استعاره‌های سطح عام، ساختارهایی بسیار کلی و عمومی دارند. در استعاره‌ای مانند «رویداد، کنش است» با يك پدیده کلی سر و کار داریم که این رویداد عام می‌تواند رویدادهای خاص‌تری مانند مردن، سوختن، مریض شدن، سفر کردن و غیره را شامل شود (کووچش، ۲۰۰۲، ۳۹-۳۸). کووچش ضرب‌المثل‌ها را غالباً دارای مفاهیم سطح خاص می‌داند که در سطح عام تفسیر می‌شوند. او ضرب‌المثلی را به‌عنوان نمونه می‌آورد: «پرنده سحرخیز، کرم را می‌گیرد»، در این جا «پرنده»، «کرم» و «سحرخیز بودن» مفاهیمی در سطح خاص



هستند که در این صورت فهم آن‌ها ساده است. اما تفسیر این استعاره در سطح عام به این معنی که «پرنده سحرخیز» کسی است که کاری را زودتر از بقیه شروع می‌کند، «گرفتن کرم» یعنی این که به مطلوب خود می‌رسد و «اکرم» همان «چیز مطلوب» است. بنابراین، تفسیر کلی این ضرب‌المثل در سطح عام این گونه است که «اگر کسی زودتر از بقیه به کاری دست بزند قبل از بقیه به مطلوب خود می‌رسد» (کووچش، ۲۰۰۲: ۳۹)؛ بدین صورت می‌توان ضرب‌المثل‌ها و استعاره‌های نهفته در آن‌ها را تفسیر کرد.

در ادامه به تحلیل استعاره‌های خشم در دو زبان فارسی و ترکی پرداخته شده است.

### ۳. تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، با جستجو در منابع موجود، بیش از ۳۰۰۰ ضرب‌المثل بررسی شد و در بین آن‌ها تعداد بیست و هشت ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی خشم در دو زبان فارسی (۱۳ مورد) و ترکی (۱۵ مورد) یافت شد. در این پژوهش، زبان ترکی شامل دو گویش استانبولی و آذری است و از منابع هر دو گویش استفاده شده است.

از میان روش‌های مرسوم استخراج استعاره‌های مفهومی، این پژوهش به صورت جستجوی دستی واژه‌های حوزه مقصد به صورت کلیدواژه خشم و مترادف‌های آن صورت پذیرفت. گاهی مفهوم يك ضرب‌المثل نشانگر خشم بود که از آن نیز استفاده شد. بعد از استخراج ضرب‌المثل‌ها در دو زبان با حوزه‌های مقصد مذکور، حوزه‌های مبدأ نیز مشخص شدند. روش استخراج دستی، روشی بسیار زمان‌بر است اما با توجه به این که داده‌های ضرب‌المثل‌ها در دو زبان به صورت مدون در زبان‌شناسی به طور اعم و در زبان‌شناسی شناختی به طور اخص وجود نداشت، این روش مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله بعد، نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ خشم تعیین و بسامد آن‌ها مشخص شد.

#### ۳-۱. نگاشت‌نام‌های استعاره‌های مفهومی خشم در فارسی

از میان سیزده ضرب‌المثل حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در زبان فارسی، یازده نگاشت‌نام یافت شد. پربسامدترین نگاشت‌نام، «خشم، آتش است» (مانند خشم، از آتش است با آب بنشانید) با سه مورد بسامد وقوع بود و نگاشت‌نام‌های «خشم، نیروی طبیعی است» (مانند خشم، اگر طغیان کند، هر چیز را ویران کند) و «خشم، نادانی / جهل است» (مانند خشم، اولش حماقت است و آخرش ندامت) در رده‌های بعدی قرار داشتند.

در جدول ۳-۱، نگاشت‌نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی همراه با بسامد وقوع هر کدام از آن‌ها نمایش داده شده است:

جدول ۱-۳ نگاشت‌نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی

نگاشت‌نام	بسامد وقوع	نگاشت‌نام	بسامد وقوع
خشم، آتش است	۳	خشم، شیطان است	۱
خشم، نیروی طبیعی است	۲	خشم، مانع است	۱
خشم، نادانی / جهل است	۲	خشم، زهر است	۱
خشم، گرسنگی است	۱	خشم، کر است	۱
خشم، تیغ است	۱	خشم، کور است	۱
خشم، حیوان وحشی است	۱		

۳-۲. نگاشت‌نام‌های استعاره‌های مفهومی خشم در زبان ترکی

از میان پانزده ضرب‌المثل ترکی حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه خشم در منابع مورد بررسی، هشت نگاشت‌نام یافت شد.

پربسامدترین نگاشت‌نام، «خشم، نادانی / جهل است» با پنج مورد بسامد وقوع بود؛ مثال:

hirsli bāšdā āyil olmāz

- حیرصلی باشد! آغیل اولماز

(در سر انسان خشمگین، عقل وجود ندارد.)

و نگاشت‌نام‌های «خشم، مانع است»؛ مانند:

hirsin dovlata zarari vār

- حیرصین دولته ضرری وار

(خشم، برای ثروت ضرر دارد.)

و «خشم، حیوان وحشی است»؛ مانند:

jilov gamirir

- جیلوو گمیریر

(لگام می‌جود) در رده‌های بعدی قرار داشتند.

در جدول ۲-۳ نگاشت‌نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان ترکی همراه با بسامد وقوع هر کدام از آن‌ها بیان شده است:

جدول ۲-۳، نگاشت‌نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان ترکی

نگاشت نام	بسامد وقوع	نگاشت نام	بسامد وقوع
خشم، نادانی / جهل است	۵	خشم، خوراکی / از غسل شیرین تر است	۱
خشم، مانع است	۳	خشم، زیان است	۱
خشم، حیوان وحشی است	۲	خشم، نابودی است	۱
خشم، آتش است	۲	خشم، گرسنگی است	۱

۳-۳. نگاشت‌نام‌های استعاره‌های مفهومی خشم در دو زبان فارسی و ترکی

از میان ۲۸ ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی خشم در دو زبان فارسی (۱۳ مورد) و ترکی (۱۵ مورد)، مجموعاً ۱۹ نام‌نگاشت، از زبان فارسی (۱۱ مورد) و از زبان ترکی (۸ مورد) استخراج شد. تعداد پنج نگاشت‌نام در هر دو زبان مشترک بودند.

در جدول ۳-۳ نگاشت‌نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی و ترکی آورده و برای نگاشت‌نام‌های مشترک بین دو زبان نیز نمونه‌هایی بیان شده‌اند.

جدول ۳-۳، نگاشت‌نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی و ترکی به همراه بسامد

فارسی	ترکی	استعاره مفهومی	فارسی	ترکی	استعاره مفهومی
-	۳	خشم، آتش است	۲	۲	خشم، خوراکی / از غسل شیرین تر است
-	۲	خشم، نیروی طبیعی است	-	۱	خشم، زیان است
-	۲	خشم، نادانی / جهل است	۵	۱	خشم، نابودی است
۱	۱	خشم، گرسنگی است	۱	-	خشم، کر است
۱	۱	خشم، تیغ است	-	-	خشم، شیطان است
۱	۱	خشم، حیوان وحشی است	۲	۳	خشم، مانع است
۱	-	خشم، کور است	-	-	خشم، زهر است

- «خشم، آتش است»

فارسی: دوی خشم، خاموشی است.

hirslanmisin su iş

ترکی: حرصلنمیسین سو ایش

برگردان: خشمگین شدی، آب بخور.

- «خشم، نادانی / جهل است.»

فارسی: خشمگیر سخن‌پذیر نباشد.

ترکی: هر شینه گوره غضبلنن آدام، هنج نینه گوره ده غضبلنر

har ŧeye gore yazablenan ādām, heĉ naya gora da yazablenar

برگردان: کسی که به خاطر هر چیزی غضب می‌کند، به خاطر هیچ چیز هم غضب می‌کند.

- «خشم، حیوان وحشی است»

فارسی: خشم و شهوت، جمال حیوان است.

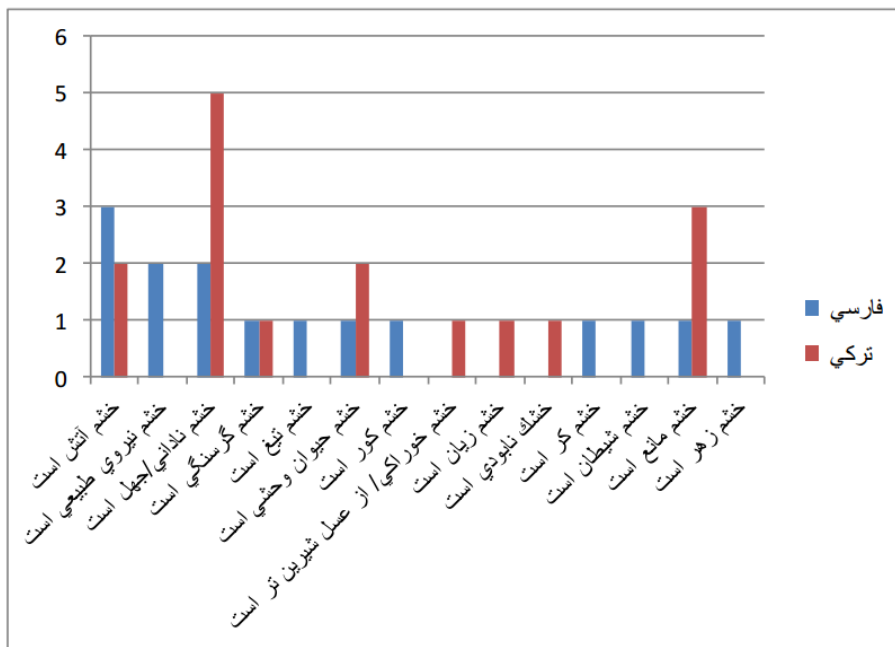
elabil dava nālbendina bāxir

ترکی: ائله بیل دئوه نالبندینه باخیر

برگردان: گویی شتر به نعلبندش نگاه می‌کند.

نمودار ۳-۳: نگاشت نام‌های حوزه خشم در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی و ترکی به همراه بسامد

وقوع



### ۳-۴. حوزه‌های مبدأ در ساخت استعاره‌های خشم در ضرب‌المثل‌های دو زبان فارسی و ترکی

یافته‌ها نشان داد که در میان بیست و هشت ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی خشم در دو زبان فارسی (۱۳ مورد) و ترکی (۱۵ مورد)، پربسامدترین حوزه مبدأ که برای مفهوم‌سازی خشم به کار می‌رود، در زبان فارسی به حوزه‌های مبدأ «روشنایی و تاریکی»، «مایع»، و «حیوانات» اختصاص دارد؛ مانند:

-روشنایی و تاریکی: خشم اولش حماقت است و آخرش ندامت؛

یا: ترهم به آتش خشک می‌سوزد.

-مایع: اگر کارش بزنی خونش بیرون نمی‌آید.

-حیوانات: خشم و شهوت، جمال حیوان است.

و در زبان ترکی، به ترتیب حوزه‌های «انسان/بدن انسان»، «حیوانات» و «نیرو» پربسامدترین بودند؛ مانند:

-انسان/بدن انسان:

حاصلی آدام آغزینی آچیب گوزونو یوموپ  
hirsli ādām ayzini açip gozunu yumup  
برگردان: آدم عصبانی دهانش را باز کرده و چشمانش را بسته است.

-حیوانات:

ائله بیل دئوه نالبندینه باخیر  
elebil dava nālbändina bāxir  
برگردان: گویی شتر به نعلبندش نگاه می‌کند.

-نیرو:

اوفکه ایله کالکان، زیانلا اوتورور  
ofka ila kālkan, ziyānlā oturur  
برگردان: کسی که از روی خشم بلند شده، با زیان می‌نشیند.

انتظار می‌رفت به علت قرابت فرهنگی و اجتماعی زبان ترکی و زبان فارسی، به حوزه‌های مبدأ تقریباً یکسانی برسیم که خلاف این فرضیه حاصل شد. حوزه‌های مبدأ «انسان/بدن انسان (اندام‌واژه)»، «حیوانات» و «نیرو» جزو حوزه‌های مبدأ پربسامد بودند که نشان می‌دهد گویشوران ترکی، خشم را بیشتر در قالب اندام‌های بدن و یا حیوانات توصیف می‌کنند. بنابراین نمی‌توان استنباط کرد که شباهت‌ها و قرابت‌های فرهنگی - اگر ملاک آن را قرابت جغرافیایی بدانیم - نمی‌تواند الزاماً

استعاره‌های مفهومی یکسانی تولید کنند. از این رو، بین زبان‌های فارسی و ترکی چندان به مفهوم‌سازی‌های استعاری مشابه نمی‌رسیم.

جدول ۴-۳: حوزه‌های مبدأ در ساخت استعاره‌های خشم در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی و ترکی (بسامد وقوع به نسبت تعداد ضرب‌المثل‌های بررسی شده در هر زبان)

ترکی	فارسی	حوزه مبدأ
۴/۱۵	۱/۱۳	انسان / بدن انسان
۲/۱۵	۶/۱۳	روشنایی و تاریکی
۱/۱۵	-	جامعه / محیط
۳/۱۵	۲/۱۳	نیرو
۲/۱۵	۳/۱۳	ماده / شیء / کالا
۲/۱۵	-	آشپزی و غذا
۳/۱۵	۲/۱۳	حیوانات
۱/۱۵	۲/۱۳	دستگاه و ابزار
۱/۱۵	-	رنگ
۱/۱۵	-	ثروت
۱/۱۵	-	ظرف

#### ۴. نتیجه‌گیری

کووچش (۲۱:۲۰۰۰) برای مفاهیم احساسات و عواطف و مخصوصاً «احساسات پایه‌ای» مانند خشم، حوزه‌های عمومی مبدأ را با استناد به پژوهش‌های خودش و دیگر پژوهشگران معرفی می‌کند؛ مانند «خشم، مایعی داغ در ظرف است»؛ «خشم، آتش است»؛ «خشم، دیوانگی و جنون است»؛ «خشم، یک دشمن در یک میدان نبرد است»؛ «خشم، یک حیوان در بند است»؛ «خشم، یک حصار است» و غیره. این پژوهش با هدف معرفی نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ احساس خشم در زبان‌های فارسی و ترکی انجام گرفت تا در این زبان‌ها نیز استعاره‌های مفهومی خشم مشخص شوند. در ابتدا شاید به علت قرابت فرهنگی و اجتماعی زبان ترکی با زبان فارسی، انتظار می‌رفت به حوزه‌های مبدأ تقریباً یکسانی دست یافته شود، در حالی که نتایج دیگری حاصل شد. حوزه‌های مبدأ «انسان / بدن انسان (اندام‌واژه)»، «حیوانات» و «نیرو» در زبان ترکی، گویای این مسئله است که

ترك‌زبانان، خشم را بیشتر به اندام‌های بدن و یا حیوانات تشبیه می‌کنند؛ بنابراین لزوماً نزدیکی جغرافیایی نمی‌تواند منجر به تولید استعاره‌های مفهومی یکسان باشد. با توجه به اطلاعات آماری ارائه‌شده به‌نظر می‌رسد استعاره‌های مفهومی با توجه به نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ در هر دو زبان، مشترکاتی با هم دارند اما نگاشت‌نام‌های متفاوت و منحصر به هر زبان نیز قابل تأمل و مشهود هستند که به احتمال زیاد در هر زبانی سابقه فرهنگی و ریشه تاریخی دارد.

## منابع

### کتاب‌ها

- افراشی، آریتا (۱۳۹۰)، نگاهی به تاریخچه مطالعات استعاره، در استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، تهران: سوره مهر.

### مجلات

- گلفام، ارسلان و یوسفی راد (۱۳۸۱)، «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، تازه‌های علوم‌شناختی، صص ۵۹-۶۴
- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۴)، «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، مطالعات زبانی بلاغی، سال چهارم، ش هشتم، صص ۹۱-۱۱۶
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، نشریه نجوای فرهنگ، ش ۳، صص ۲۴-۱۵.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷)، «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۰، صص ۱۳۳-۱۰۹.
- روشن، بلقیس، فاطمه یوسفی راد و فاطمه شعبانیان (۱۳۹۲)، «مبنای طرح واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان»، زبان‌شناخت، سال چهارم، ش دوم، صص ۷۵-۹۴.
- نوین، حسین (۱۳۸۷)، «بررسی و تبیین ساختار اجتماعی - فرهنگی ضرب‌المثل‌های ترکی استان اردبیل»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، ش

### پایان‌نامه‌ها

- حقیقی، مه‌ری (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کردی کرمانشاهی و فارسی از منظر معنی‌شناسی شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه الزهرا (س).
- رضایی، حدائق (۱۳۸۲)، «استعاره در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان‌های خارجی.
- مؤمنی، شهناز (۱۳۹۵)، «تحلیل مقابله‌ای استعاره مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سمنان.

### منابع لاتین

- Evans, Vyvyan & Melanie Green (2006). "Cognitive linguistics, an introduction", Edinburg University Press.
- Evans, Vyvyan (2007). "A glossary of cognitive linguistics". Edinburg University Press.
- Geeraerts, Dirk (2010). "Diachronic Prototype Semantics". Oxford Clarendon Press.
- Kovecses, Z. (2000). "Metaphor and emotion: language, culture, and body in human feeling". Cambridge university press.
- Kovecses, Z. (2002). "Metaphor, a practical introduction". Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1987). "Woman, fire, and dangerous things". the university of Chicago
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Retová, D. (2008). "Analysis of conceptual metaphors of selected emotions in Slovak language". [Diploma thesis]. – University of Comenius in Bratislava. Faculty of Mathematics, Physics and Informatics.
- Riemer, Nick (2010). "Introducing semantics". Cambridge university press.
- Sharifian, F. (2011). *Cultural conceptualizations and language: theoretical framework and applications*. John Benjamins Publishing Company.
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. 2. Cambridge, MIT Press.
- Barcelona, Antonio. (2000). Introduction: the cognitive theory of metaphor and metonymy. In A. Barcelona "metaphor and metonymy at the crossroads: a cognitive perspective" pp 1-28, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Barcelona, Antonio (2001). "On the systematic contrastive analysis of conceptual metaphors: case studies and proposed methodology". eds. M. Pütz & et al.



*Applied Cognitive Linguistics II: Language Pedagogy*. Berlin: Mouton de Gruyter, 117-146.

- Kobia, M. J. (2016). "A conceptual metaphorical analysis of Swahili proverbs with reference to chicken metaphor". *International Journal of Education and Research*.

Vol. 4, No. 2.

- Kobia, M. J. (2010). *Metaphor and Culture*. Acta Universitatis Sapientiae, Philologica. 2, 2 (2010). Pp. 197-220.

- White, G.M. (1987). "Proverbs and cultural models: an American psychology of problem solving", *cultural models in language and thought*. eds. Holland, D. & Naomi Quinn. Cambridge university press. Pp. 151-172

- Zolfaghari, H. & Hayat Ameri (2012). "Persian Proverbs: Definitions and Characteristics". *Journal of Islamic and Human Advanced Research* 2. pp. 93-108.

- AGİŞ, Fazıla Derya (2007). "A comparative cognitive pragmatic approach to the Judeo-Spanish and Turkish proverbs and idioms that express emotions ". Hacettepe University Graduate School of Social Sciences English Linguistics. Master's Thesis, Ankara.